

۱-

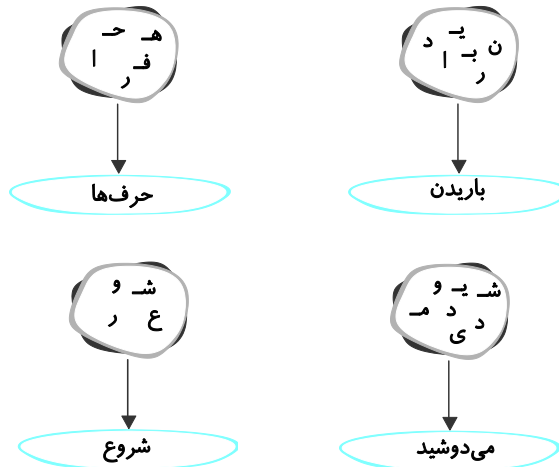
الف) ن (گ) ه (د) ا (ر) ی

ب) و (ا) ن (گ) ه (ی)

پ) آ (گ) ا (ه) ی

۲- الف) نصیحت، ب) قطره، پ) ناگهان، ت) رقصید

۳-



۴- می‌دوشید - می‌برد - می‌ریخت - می‌کرد - می‌فروخت

۵- الف) مردِ درست‌کار ← چوپان مرد درست‌کار و راست‌گویی بود.

ب) صاحبِ گوسفندان ← چوپان هر روز شیر گوسفندها را به خانه‌ی صاحب گوسفندان می‌برد.

پ) حرفهای چوپان ← او به حرفهای چوپان گوش نمی‌داد.

ت) سیل بزرگی ← باران بارید و سیل بزرگی به راه افتاد.

۶- الف) مزدت، ب) بُرد، پ) درست‌کار

۷- الف) هر که بامش بیش برفش بیش تر

ب) سیل ناگهان گوسفندها را با خود بُرد.

۸- شیر - شتر - سپر - سیر - سبز